



تحلیلی بر عوامل تبیین کننده حس مکان در بافت‌های تاریخی

(مورد پژوهی: شهر تبریز)

سیدجواد حبیب‌زاده کوزه‌کنانی¹، اکبر عبدالله‌زاده طرف^{2*}، حسن ستاری ساربانقلی³ و

محمدرضا پاکدل فرد³

تاریخ دریافت: 1400/07/08

تاریخ پذیرش: 1401/03/16

چکیده: بافت تاریخی شهرها آثار گران‌بهای از فرهنگ، دانش معماری و شهرسازی بومی‌اند و به رغم پیشینه درخشان، امروزه با مشکلات متعدد ناشی از بی‌هویتی شهر معاصر روبه‌رو هستند که زندگی شهری را از جنبه‌های متعالی معنوی تهی کرده است. در این راستا، بررسی حس مکان در این بافت‌ها که سبب پیوند انسان با مکان و ارتقاء ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی می‌شود، ضرورتی گریزناپذیر است. با توجه به اهمیت موضوع، هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت‌های تاریخی شهر تبریز و شناخت وضعیت موجود است. بدین منظور، روش پژوهش کمی-کیفی، با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی که به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos و آزمون T-test در نرم‌افزار SPSS استفاده شده. قابل ذکر است که جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان بافت تاریخی شهر تبریز (منطقه 8 شهرداری) است که حجم نمونه با استفاده از مدل کوکران 384 نفر تعیین شده. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به ترتیب مؤلفه‌های فضایی-عملکردی، ادراکی-معنایی و کالبدی-فیزیکی با ارزش 0/68، 0/51 و 0/46 بوده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که با توجه به سطوح حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز، ادراک و احساس مادی و عینی و تا حدودی اقدام رفتارهای فردی یعنی حضور، استقرار و تعلق به مکان (سطوح اولیه‌ی حس مکان) تحقق یافته و ادراک و احساس فراعینی و ذهنی یعنی دل‌بستگی و تعهد به مکان (سطوح نهایی حس مکان) تحقق نیافته.

واژگان کلیدی: مکان، حس مکان، بافت تاریخی، شهر تبریز.

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول با عنوان فرایند شکل‌گیری حس مکان در محدوده تاریخی (مطالعه موردی: بافت تاریخی تبریز) با همکاری نویسندگان است.

¹ دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

² استادیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) taraf_1981@iaut.ac.ir

³ دانشیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

1- مقدمه

مکان پدیده‌ای چندوجهی است که علاوه بر محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و فرهنگی را نیز دربر دارد (King, 1995; Vertovec, 2009). به عبارت دیگر مکان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی (ارتباطات اجتماعی، احساسات، افکار، روابط اقتصادی و ...) در بستر کالبد و فضای آن است (Stedman, 2003). در چند دهه اخیر مطالعات مکان‌محور و پژوهش‌های حس مکان، سهم بزرگی در عمق بخشیدن به دانش ارتباطات انسان و محیط ایفا کرده‌اند و مفاهیم مرتبط با آن به‌طور فزاینده‌ای در طراحی، برنامه‌ریزی و معماری شهری و همچنین روان‌شناسی محیطی به‌کار گرفته شده است. از سویی پیشرفت‌های تئوریک در بسط معنای "مکان" به آنجا رسیده است که انسان بودن نیز به معنای زیست در جهانی سرشار از مکان‌ها دانسته شده (Relph, 1976; Relph, 2009; Lewicka, 2011). بنابراین در بررسی رابطه فعالیت‌های انسانی با مکان، سکونت رابطه‌ای پر معنا میان انسان و محیط است و در این راستا دو عامل فضا (مکان) و حس که برگرفته از خاطرات فردی و جمعی ساکنین است، عوامل و متغیرهای مهمی در شکل‌گیری این رابطه‌ی پر معنا در جهت دستیابی به هویت‌مند بودن ساختار مکانند (Schulz, 2008; Rabbani, 2018). می‌توان عنوان کرد که "حس مکان" احساسی است که به پیوند عملکردی با مکان‌ها منجر می‌شود (Mullendore et al., 2015; Payton et al., 2005) و همچنین معانی را دربر دارد که افراد و گروه‌ها در شیوه‌های اجتماعی روزانه به محیط خود نسبت می‌دهند (Jorgensen and Stedman, 2001) و در طول زمان و مکان تکامل می‌یابند (Giddens, 1991). این مفهوم در رابطه با مفاهیم دیگر همچون «بیرونی» و «بی‌مکانی» قرار دارد (Freestone and Liu, 2016; Tuan, 1975) و شامل ترکیبی از رضایت عملکردی و دل‌بستگی احساسی بوده و به نوبه‌ی خود تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فرهنگ و نهادها قرار دارد (Jorgensen and Stedman, 2006; Manzo and Devine-Wright, 2013; McCunn and Gifford, 2018). بنابراین می‌توان گفت حس فضا یا حس مکان که نقش مهمی در دل‌بستگی افراد به مکان و

ایجاد فرآیندهای مشارکتی و اجماع‌پذیری برای حرکت توسعه‌ای و حل و فصل تعارض‌ها دارد، از ضرورت‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهرها به‌شمار می‌آید (Manzo and Perkins, 2006; Chaskin et al., 2012). از این‌رو بررسی عوامل تبیین‌کننده حس مکان در فضاهای مختلف شهری به‌ویژه بافت‌های تاریخی که در عصر معاصر مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند و کاربست راهکارهایی برای ارتقاء این فضاها ضرورتی گریزناپذیر است. می‌توان عنوان کرد که در بسیاری از بافت‌های تاریخی، مسأله حس مکان در مؤلفه‌های ذهنی، کالبدی و کارکردی به‌عنوان یک چالش جدی مطرح است. ضعف حس مکان منجر به انفصال و یا عدم شکل‌گیری رشته‌های اتصال ساکنان بافت تاریخی با مکان شده و مهاجرت افراد با اصالت بافت را در پی داشته است. همچنین پس از انقلاب صنعتی و مدرنیسم بسیاری از شهرهای ایران با بهره‌گیری از الگوهای معماری و شهرسازی غیر بومی و نامأنوس با فرهنگ بومی، از کالبد و محتوای اصیل خود دور شده‌اند. الگوگیری صرف از انگاره‌های غیر بومی و تقلیدی، بدون توجه به هویت و زمینه آن، رواج فردگرایی و کاهش ارتباطات اجتماعی، فرسودگی بناهای تاریخی و عدم اختصاص بودجه کافی برای مرمت آنها، توسعه ساخت‌وسازهای جدید در محلات تاریخی و به تبع آن ورود مهاجران به بافت و عواملی از این قبیل منجر به توسعه محلات در راستای ناهمخوانی با درونمایه اصیل خود شده است. از این‌رو، بررسی عوامل تبیین‌کننده حس مکان از چالش‌های طراحان‌ای است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد تا با بهره‌گیری از نظرات اندیشمندان در کالبد و محتوای بافت‌های تاریخی، بتوان الگوی مناسبی در جهت تحقق حس مکان ارائه داد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، در پژوهش حاضر حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز (منطقه 8 شهرداری) مورد بررسی قرار گرفته است. این منطقه از تبریز به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی از اهمیت فراوان برخوردار است و در آن انواع بناها و معماری تاریخی و فرهنگی از جمله خانه‌ها



فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و مدیریتی (Ghiasi and Sarrafi Ghohar, 2016, Hosseinabadi et al., 2019) یا رویکرد بازآفرینی مشارکتی (Erfani, 2020)، به دنبال ارائه راهکارهای ارتقاء حس مکان بوده‌اند. از منظر تحولات حس مکان و الگوهای شکل گرفته نیز مطالعات متعددی انجام گرفته و تحولات حس مکان تحت تأثیر فرهنگ جهانی، گذشته مکان و ارتباطات اجتماعی (Cohen, 2017) و تفاوت بین‌نسلی در حس مکان (Gorgul et al., 2017) مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به پیشینه مطالعاتی می‌توان عنوان کرد که بررسی سطوح حس مکان در یک مکان یا فضا خلأ پژوهش‌های پیشین و نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود. از این رو در پژوهش حاضر ابتدا به سنجش مؤلفه‌های حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز و سپس سنجش سطح حس مکان در این بافت پرداخته شده است.

1-2- حس مکان، مفاهیم و دیدگاه‌ها

مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن است. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود. مکان، جایی است که ما ادراکی کامل از هستی و بودن در خود خواهیم داشت. بر اساس «مدل کانتر¹» مکان، بخشی از فضای ساخته‌شده یا فضای طبیعی است که نتیجه‌ی روابط متقابل سه عامل: 1. رفتار انسانی 2. معانی و مفاهیم 3. مشخصات کالبدی و متمایز بودن از یک سو و ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن از سوی دیگر است. در این بین حس مکان به‌منظور بهره‌مندی و تدأوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد، این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند (Sarmast, 2010). همچنین حس مکان جنبه‌ای ذهنی از رابطه میان انسان و مکان و به عبارتی نشان‌دهنده رابطه عاطفی شخص با مکان است (Madgin et al., 2016; Lee and Shen, 2013). به عبارتی حس مکانی علایق خوشایند تجربه‌شده‌ای است که طی زمان و گاه به‌طور ناخودآگاه و بر بنیاد پیوندهای رفتاری، احساسی و شناختی میان اشخاص یا گروه‌ها و محیط اجتماعی-کالبدی آنها شکل گرفته است (Sarayi et al., 2016). توآن (1977)، حس مکان را اصطلاحی

و سراهای تاریخی بی‌شماری جای گرفته‌اند. محلات اصلی این منطقه که قدیمی‌ترین محلات شهر تبریز محسوب می‌شوند، عبارتند از: بازار، بالاحمام، تربیت، خاقانی، راسته کوچه، مقصودیه، چارمنار، سنجران، میارمیار و ایچری ارمنستان (ارمنستان داخلی). با توجه به مطالب ارائه شده و اهمیت حس مکان در فضاهای مختلف شهری به‌ویژه بافت‌های تاریخی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر اساس کار پژوهش حاضر است:

- مهمترین عوامل تبیین‌کننده حس مکانی در بافت تاریخی شهر تبریز کدامند؟
- بافت تاریخی شهر تبریز از منظر سطوح حس مکان در چه وضعیتی قرار دارد؟

1-1- پیشینه پژوهش

در راستای مفهوم حس مکان پژوهش‌های مختلفی در عرصه ملی و بین‌المللی انجام گرفته است.

از منظر موضوع‌شناسی بیشتر مطالعات حوزه حس مکان با انتخاب مؤلفه‌هایی به ارزیابی یک مکان یا فضا پرداخته‌اند. مؤلفه‌هایی همچون قدمت مکان، وجهه مکان، دسترسی به خدمات در مکان (Bazi et al., 2014)، یا در حالت کلی مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی، اجتماعی (Mirgholami et al., 2016)، معنایی و رفتاری (Taher Tolodel, 2020). برخی از مطالعات نیز صرفاً به بررسی مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن پرداخته و حس مکان را حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی دانسته‌اند. در این مطالعات مفهوم حس مکان از یک سو ریشه در تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و غیره دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌هایی عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صداست که نشان می‌دهد حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دل‌بستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان پدید می‌آید (Falahat, 2006; Qazimi, 2014). برخی دیگر از مطالعات صرفاً بافت‌های قدیمی و تاریخی را با توجه به ماهیت سنتی آنها مورد بررسی قرار داده و با تأکید بر پروژه‌های حفاظت میراث فرهنگی از قبیل اجتماعی،

می‌داند که به شناخت‌ها و احساسات عاطفی در ارتباط با یک مکان جغرافیایی خاص برمی‌گردد. طبق نظر وی حس مکان در ساده‌ترین شکل خود، با استفاده از معادله «مکان = فضا + معنا» تعریف می‌شود (Tuan, 1977). به بیان براون و پرکینز² (1992)، حس مکانی مجموع پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری میان انسان‌ها و مکان زندگی‌شان است که مبنای ادراک آنان و رابطه‌شان با مکان را فراهم می‌آورد و چارچوب هویتی فرد و جامعه را شکل می‌دهد. با پیوند بیشتر فرد یا مکان در گذر زمان، مکان به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای اساسی و امنیت برای فرد اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، به‌گونه‌ای که فرد خود را جزئی از مکان و در پیوند با مکان تعریف می‌کند و در نهایت حس مکان در او پدید می‌آید (Sheikhi et al., 2015). براساس دیدگاه کارمونا (2006)، حس مکان به معنی تجاربی فراتر از خصوصیات کالبدی مکان است که از طریق حواس پنجگانه قابل دستیابی است و نوعی حس تعلق به روح مکان ایجاد می‌کند (Carmona, 2006). سیمون و سوورز (2008)، حس مکان را وابسته به احساس و تصور افرادی می‌دانند که مکان را تجربه کرده‌اند. همچنین بر اساس نظر ایشان، حس مکان مربوط به نیاز هویت بخشی به محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت، برای افراد است (Seamon and Sowers, 2008). رلف³ برای هر مکان شاخصه و ویژگی خاصی قائل است و آن را به سبب سه نشانه دارای هویت مکانی می‌داند که معرف حس مکان نیز است، گرچه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه است اما این سه را در ایجاد این حس در مردم تأثیرگذار می‌داند: 1- ساختار فیزیکی، 2- فعالیت، 3- معنا (Carmona, 2007). همچنین می‌توان گفت مهمترین پژوهش در مورد سطوح حس مکان مربوط به شموئل شامای⁴ است. شامای در بررسی‌های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان سه مرحله‌ی اصلی حس مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را معرفی و این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند (Taher Tolodel, 2020).

جدول 1- سطوح حس مکان بر مبنای دیدگاه شامای، 1991

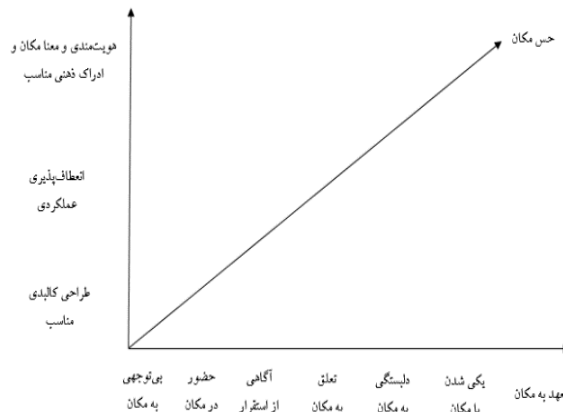
Tab.1- Levels of Sense of Place Based on Perspective Shamai, 1991

تشریح سطح احساسی نسبت به مکان	سطح
این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌شود، ولی می‌تواند در سنجش حس مکان استفاده شود.	بی‌توجهی به مکان (بدون احساس و عدم ادراک)
این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است توجه دارد، در مقابل تمام سطوح که مبنای نظری داشتند این سطح از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود.	حضور در مکان (احساس مادی و عینی)
این سطح هنگامی است که فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است.	آگاهی از استقرار (احساس مادی و ادراک)
در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است. حس تعلق به‌طور کلی به معنای مهر و نشانی است که مردم بر مکان خاصی می‌زنند.	تعلق به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)
در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، در این حالت بر منحصربه‌فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود.	دلبستگی به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)
این سطح نشان‌دهنده‌ی درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می‌کند و در فرد عشق و شور و از خودگذشتگی نسبت به مکان پدید می‌آید.	یکی شدن با مکان (احساس فراعینی و ادراک ذهنی)
این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری زیادی برای گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد.	تعهد به مکان (احساس فراعینی و ادراک ذهنی)

با توجه به پیشینه تجربی و نظری پژوهش می‌توان مدل مفهومی پژوهش در راستای شکل‌گیری حس مکان به شرح شکل 1 ترسیم نمود.

استفاده شده است. بدین منظور با استفاده از مقیاس‌های آزمون‌شده در پژوهش‌های مربوط به حس مکان و تبیین نظریات استادان و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شده، سپس پرسشنامه تهیه‌شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل و با بررسی پاسخ‌های به‌دست آمده از 30 پرسشنامه اولیه و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین شده است. در این پژوهش همچنین به‌منظور تحلیل و بررسی میزان صحت پرسش‌های پرسشنامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان⁵ ضرایب آلفای⁶ پرسش‌های مطرح‌شده محاسبه شده است. بر اساس محاسبات صورت‌گرفته ارزش آلفای کرونباخ تمامی پرسش‌های پرسشنامه بزرگ‌تر از 0/7 و همچنین ضریب کل آلفای به‌دست آمده 0.769 بوده است. پرسشنامه پژوهش حاضر بر مبنای مؤلفه‌های جدول شماره 2 تهیه شده است.

محدوده‌ی بافت قدیمی و تاریخی کلان‌شهر تبریز، قدیمی‌ترین قسمت شهر (اغلب قبل از 1300 شمسی) را تشکیل می‌دهد. بافت قدیم و تاریخی عمدتاً خودانگیخته و خودسازمان‌یافته بوده و دارای ساختارهای همپیوند و اندامواره‌ی (ارگانیک) است. شهر ابتدا در درون این محدوده شکل گرفته و روبه تکامل رفته است. از این‌رو، این محدوده دربرگیرنده یادمان‌ها و نمادهای تاریخی شهر نیز است. مشخصه اصلی آن مرکزیت تاریخی، تجاری، اداری، تفریحی و نظایر آن در سطح شهر است. وجود مجموعه صاحب‌الامر، مسجد جامع و بازار که استخوان‌بندی شهر را تشکیل داده، بیانگر اهمیت و نقش این محدوده در انعکاس هویت و تاریخ شهر است. این بافت از آن زمانی که نخستین خیابان‌ها به‌منظور تأمین عبور و مرور وسایل نقلیه سواره، پیکر شهر را درنوردیدند، تعریف شد. به عبارت بهتر، وجود بافت قدیم و تاریخی با مداخلات شهرسازی مدرن معنا و مفهوم یافت (Novin, 2017). مساحت این نوع بافت در منطقه 8 شهرداری تبریز 3.88 کیلومترمربع با جمعیتی بالغ بر 29384 نفر بوده است.



شکل 1- مدل مفهومی تحقق شکل‌گیری حس مکانی
Fig.1- Conceptual model of realization of spatial sense formation

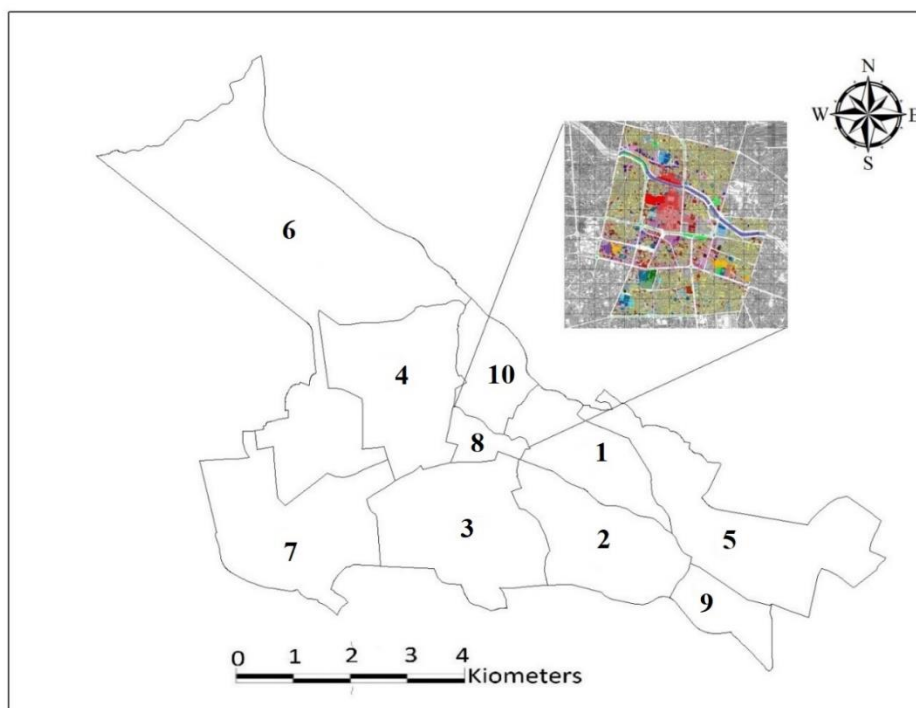
بر اساس مدل مفهومی و میانی نظری پژوهش می‌توان بیان که شکل‌گیری حس مکان در وهله نخست ناشی از طراحی کالبد مناسب، انعطاف‌پذیری در عملکردها و هویت‌یابی مکان و ادراک ذهنی توسط شهروندان بوده است. در وهله دوم و تحت تأثیر ادراک ذهنی شهروندان سطوح مختلفی برای حس مکان ذکر شده که پایین‌ترین آن بی‌توجهی به مکان و بالاترین آن تعهد به مکان است.

2- روش تحقیق

روش پژوهش در پژوهش حاضر کمی-کیفی با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی است. در این راستا، ابتدا با مطالعات اسنادی مؤلفه‌های حس مکان استخراج و سپس از طریق روش پیمایشی و پرسشگری از ساکنان میزان تحقق‌پذیری این مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos و آزمون T-test در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. قابل ذکر است که جامعه‌ی پژوهش شامل ساکنان بافت تاریخی شهر تبریز (منطقه 8 شهرداری) است که حجم نمونه با استفاده از مدل کوکران 384 نفر تعیین شده است که نحوه دسترسی بر آنها بر مبنای الگوی تصادفی ساده است. از سویی در راستای سنجش اعتبار درونی نیز ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه

جدول 2- مؤلفه‌های حس مکان و کدبندی آنها
 Tab.2- Components of sense of place and their coding

کد	گویه‌ها	مؤلفه‌های حس مکان
a1	خاطره‌انگیزی فضاهای مختلف بافت	ادراکی-معنایی a
a2	انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه در بافت	
a3	استفاده از الگوهای کهن و سنتی ایرانی در معماری بناهای بافت	
a4	آشنا بودن فضا برای مخاطب و احساس راحتی در آن	
a5	منحصر به فرد بافت اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری در بناهای بافت، اثرگذاری مطلوب)	
a6	خوانایی بناها و فضاهای مختلف بافت	
a7	جذابیت و سرزندگی بافت و نبود آلودگی‌های صوتی و بو	
b1	چیدمان عناصر بافت (پیوند و اتصال کالبدی مناسب با گذشته‌ی تاریخی)	کالبدی-فیزیکی b
b2	تأکید بر انسان در طراحی بافت (نشستن، حرکت و استراحت)	
b3	همه‌انگهی فرم بناها با بستر بافت (فرم و اندازه قطعات بافت)	
b4	همه‌انگهی کالبد بافت با عملکرد و اقلیم	
b5	تأکید بر نمادها و نشانه‌ها در بافت تاریخی	
b6	نفوذپذیری مناسب فضاهای مختلف بافت	
b7	درجه‌ی محصوریت	فضایی-عملکردی c
c1	ترکیب فضاها و عملکردهای مختلف بافت (وجود کاربری‌های ترکیبی)	
c2	کیفیت حضور انسان در بافت	
c3	پاسخگویی عملکردهای بافت به نیازهای زمانی و مکانی انسانی	
c4	توجه به بعد اجتماعی انسان و وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی	
c5	ایمنی و امنیت اجتماعی در بافت	
c6	تنوع فعالیت‌ها و نظارت بر آنها	
c7	پالایش کاربری‌های ناسازگار و مغایر با شأن و اعتبار بافت تاریخی	



شکل 2- موقعیت بافت تاریخی شهر تبریز در منطقه 8 شهرداری

Fig.2- Location of the historical texture of Tabriz in District 8 of the municipality



شکل 3- نمایی از بافت تاریخی- فرهنگی تبریز با محوریت بازار

Fig.3- A view of the historical-cultural texture of Tabriz with the focus on the market

3- نتایج و بحث

3-1- بررسی عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز

به‌منظور شناسایی عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز از نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری Amos گرافیک استفاده شده است. در این راستا، ابتدا ارتباط ساختاری جزئی بین متغیرها برای این رابطه و سپس صورت کلی و نهایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. ارتباط ساختاری جزئی یا درونی به ارزیابی ارتباط ساختاری ناشی از میزان متغیرهای ادراکی-معنایی، کالبدی-فیزیکی و فضایی-عملکردی به‌عنوان متغیر مستقل و تحقق حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به‌عنوان متغیر وابسته بود که برای ورود به بحث کلی و نهایی ابتدا مورد آزمون جداگانه قرار گرفت.

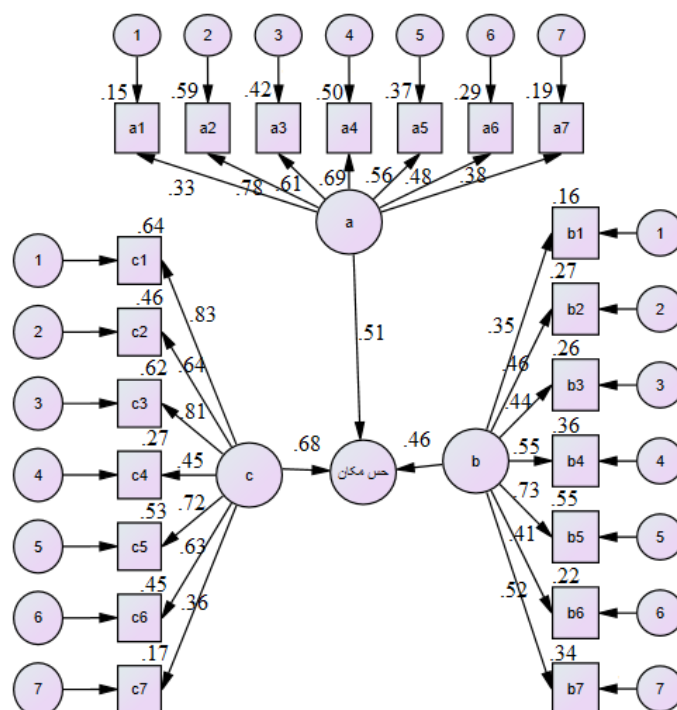
ورود عوامل تبیین‌کننده ارتباط ساختاری برای تحلیل حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز نشان می‌دهد میزان پایایی ترکیبی (CR) و ضریب پایایی (CA) به‌دست

آمده بیش از 0.7 و میزان میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) که در قطر خطی جدول شماره 3 مشخص شده است بیش از 0.6 است. همچنین همبستگی متغیرهای پژوهش که با رنگ تیره مشخص شده است در بازه 0.76 تا 0.83 بوده که ورود عوامل برای تبیین حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز را به میزان قابل ملاحظه‌ای تشریح می‌کند.

مهم‌ترین سنجه‌های شکل‌دهنده آماری در ساختار عاملی تأییدی سنجه‌های دو یا کای اسکوتر (χ^2) نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی⁷ (CFI) و شاخص برازش افزایشی⁸ (IFI) و در نهایت ریشه‌ی میانگین مربعات تقریبی⁹ (RMSEA) است. این سنجه‌ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به‌دست آمده می‌پردازد. به علت متورم شدن میزان کای اسکوتر در نمونه‌های تحلیلی، اکثر تحلیل‌گران از نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل‌شده برای شناسایی ساختار را به‌دست

ساختارشناسی در این مرحله است که در الگوهای قابل قبول مقدار 0.08 یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از 0.1 دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول شماره 4 مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از 0.08 است که نشان‌دهنده برازش مناسب الگوها، توسط داده‌هاست. در نهایت، با توجه به مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری برازش خوبی دارند و به این معناست که متغیرهای آشکار به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

می‌دهد. مقدار این نسبت باید ترکیب نیمی از داده‌ها را دربر گیرد. به دیگر سخن نباید کمتر از دو باشد تا بتوان به معناداری داده‌های به کار رفته اطمینان داشت. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی چهار متغیر شناسایی شده در این سنجه نشان از قابل قبول بودن آن دارد. شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین شده هرچه به سمت 1 میل کند، برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این دو شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها قابل قبول به دست آمده است. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز آخرین سنجه



شکل 4- معماری ساختار ارتباطی مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز
 Fig.4- Architecture of communication structure of the components explaining the sense of place in the historical texture of Tabriz

جدول 3- تحلیل پایایی تبیینی متغیرهای مستقل و وابسته در مدل‌سازی معادلات ساختاری
 Tab.3- Explanatory reliability analysis of independent and dependent variables in structural equation modeling

متغیرها	CR	AVE	CA	حس مکان	a	b	c
حس مکان	0.72	0.617	0.81	0.825	-	-	-
ادراکی-معنایی (a)	0.75	0.639	0.75	0.628**	0.802	-	-
کالبدی-فیزیکی (b)	0.77	0.671	0.73	0.603**	0.584*	0.773	-
فضایی-عملکردی (c)	0.78	0.675	0.71	0.592*	0.621*	0.614*	0.762

**p < 0.01; *p < 0.05.



جدول 4- آماره‌ی ساختار عاملی تأییدی ارتباط ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته

Tab.4- Factor structure statistics confirm the structural relationship of independent and dependent variables

متغیرها	χ^2	df	P	χ^2/df	CFI	IFI	RMSEA
حس مکان	930.69	383	0.001	2.43	0.936	0.927	0.02
ادراکی-معنایی (a)	915.37	383	0.000	2.39	0.948	0.934	0.05
کالبدی-فیزیکی (b)	831.11	383	0.000	2.17	0.912	0.916	0.04
فضایی-عملکردی (c)	903.88	383	0.002	2.36	0.925	0.942	0.05

مکان در بافت تاریخی شهر تبریز را توجیه می‌کنند و مؤلفه‌های کالبدی-فیزیکی در این محدوده ناتوان در تبیین حس مکان بوده‌اند.

همچنین بررسی نتایج حاصل از مشاهدات میدانی و در نظرگیری شرایط بافت تاریخی تبریز از منظر حس مکان به شرح جدول شماره 5 است.

جدول 5- تحلیل مکانی بافت تاریخی تبریز از منظر حس

مکان تبیین شده

Tab.5- Spatial analysis of the historical texture of Tabriz from the perspective of a sense of place

مؤلفه‌های حس مکان	وضعیت موجود بافت/مکان تاریخی
ادراکی-معنایی	امروزه بافت تاریخی تبریز در پیوند انسان با مکان ناموفق عمل کرده و این امر ناشی از ضعف در نظام مدیریتی بافت است. استفاده از الگوهای کهن و سنتی به تک‌بناها محدود شده و عدم خوانایی بافت باعث شده که ساکنان در فضا احساس آرامش و راحتی نداشته باشند. همچنین معاصر نمودن بافت و افزایش تردد وسایل نقلیه در آن سبب شده که از یک سو سرزندگی فضا کاسته شود و از سوی دیگر از نظر خاطره‌انگیزی درست عمل ننماید. همچنین تغییرات ایجاد شده و مشابهت ساختار منظری بافت با سایر سطوح شهر ادراک ذهنی شهروندان را از ماهیت بافت و دریافت حس مکان را با چالش جدی مواجه ساخته است.
کالبدی-فیزیکی	بافت تاریخی تبریز در بستر زمان از منظر شاخص‌های کالبدی رو به زوال بوده و ایجاد بناهایی بر خلاف ماهیت بافت باعث شده که هویت آن تهی و هماهنگی بین عناصر بافت کاهش یابد. عدم استفاده از مصالح بومی و سنتی و همچنین عدم تفکیک مداخلات در انواع بافت‌ها نیز باعث شده که پیوند و اتصال مناسب با گذشته تاریخی در بافت رو به کاهش گذاشته و به جز برخی بناها بار هویتی بافت رو به افول باشد. همچنین ساختار نامناسب اطراف برخی بناها همچون ارک علیشاه به شدت به عدم

بر اساس نتایج به دست آمده بیشترین تحقق‌پذیری مؤلفه‌های حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های فضایی-عملکردی، ادراکی-معنایی و کالبدی-فیزیکی با ارزش 0.68، 0.51 و 0.46 بوده است. همچنین در بین متغیرهای فرعی بیشترین تحقق‌پذیری (با مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان) در بافت تاریخی شهر تبریز مربوط به متغیرهای ترکیب فضاها و عملکردهای مختلف بافت (وجود کاربری‌های ترکیبی)، پاسخ‌گویی عملکردهای بافت به نیازهای زمانی و مکانی انسانی، انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه در بافت و تأکید بر نمادها و نشانه‌ها در بافت تاریخی به ترتیب با ارزش 0.81، 0.78 و 0.73 است.

در نهایت، پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P به کار گرفته شده است. بر اساس سطح معناداری 0.05 مقدار بحرانی می‌بایست بیشتر از 1.96 باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، با اهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر از 0.05 برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح 95 درصد اطمینان است. بر اساس نتایج مدل، مقدار بحرانی برای متغیرهای فضایی-عملکردی 2.76 و مقدار بحرانی برای متغیرهای ادراکی-معنایی 2.18 در سطح اطمینان 95 درصد محاسبه شده است. همچنین مقدار بحرانی متغیرهای کالبدی-فیزیکی 1.32 محاسبه شده که نشان از عدم تحقق‌پذیری این متغیر در بافت تاریخی شهر تبریز است. بنابراین می‌توان گفت که مؤلفه‌های فضایی-عملکردی و تا حدودی مؤلفه‌های ادراکی-معنایی حس

هویت‌مندی بافت لطمه زده است. از سویی عدم توجه به انسان در طراحی‌های جدید باعث شده است که محلی برای تعاملات اجتماعی وجود نداشته باشد. از نظر عملکردی بافت تاریخی تبریز با استقرار فعالیت‌های جدید دست‌خوش تغییرات گسترده شده است؛ فعالیت‌هایی که در شأن و منزلت بافت تاریخی نیست و بیشتر تأکید بر ارزش‌های اقتصادی اساس کار بوده است. همچنین نادیده گرفتن عملکردهای مختلف فرهنگی و اجتماعی در بافت باعث شده که از نظر پاسخ‌گویی زمانی-مکانی بافت تاریخی در وضعیت نامطلوبی قرار گیرد. این امر در سال‌های اخیر و جابه‌جایی ساکنان قدیمی با مهاجران جدید باعث کاهش عملکردهای تعریف‌شده بافت و مقدمات کاهش حس مکانی و افول اجتماعی-فرهنگی بافت را سبب شده است.

2-3- بررسی سطوح حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز

به‌منظور بررسی سطوح حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز نیز از دیدگاه شامای (1991) و پرسشگری از ساکنان بافت استفاده شده که نتایج آن به شرح جدول شماره 6 است.

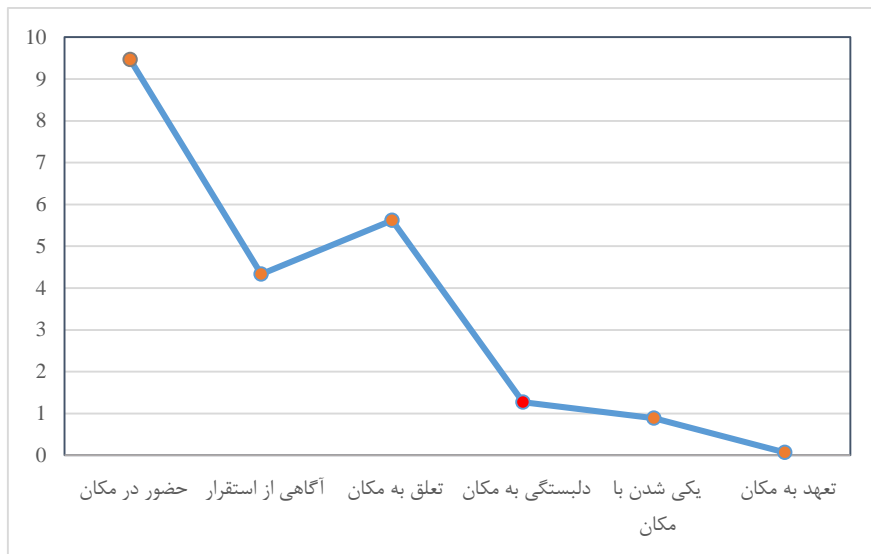
بر مبنای نتایج حاصل از آزمون T می‌توان گفت که سطوح اولیه حس مکان یعنی حضور، آگاهی و تعلق در بافت تاریخی شهر تبریز تحقق یافته است. با این حال سطوح نهایی حس مکان (دلبستگی، یکی‌شدن با مکان و تعهد به مکان) که نقش تأثیرگذاری بر شکل‌گیری حس مکان دارند در بافت تاریخی شهر تحقق نیافته‌اند. به عبارتی می‌توان عنوان کرد که بیشتر حضور شهروندان در بافت تاریخی با بی‌توجهی به مکان پیوند خورده است و با نقش فعال خود در بافت و تشخیص نمادهای مکان و بیشتر با هدف مادی همراه است ولی هیچ احساسی ساکنان را به مکان متصل نکرده است. همچنین شاخص‌هایی همچون عشق و از خودگذشتگی برای مکان و فداکاری برای گرایش‌ها و ارزش‌ها و تعهد به مکان یا به عبارتی احساس فراعینی و ادراک ذهنی در وضعیت نامناسبی است. عوامل بسیاری در راستای عدم تحقق‌پذیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز تأثیرگذارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

از سویی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قدمت سکونت و مالکیت مسکن و زمین (یا ارتباط اقتصادی با بافت) از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و توسعه حس مکان در ساکنان بافت تاریخی شهر تبریز محسوب می‌شود که در این راستا همراستا با پژوهش‌های بزی و همکاران (2014)، میرغلامی و همکاران (2016) و غزیمی (2014) است. از سویی نتایج پژوهش حاضر حاکی از وضعیت نامناسب بافت تاریخی شهر تبریز از منظر حس مکان است که برعکس نتایج پژوهش حسین‌آبادی و همکاران (2019)، در محله‌ی کلاه‌فرنگی سبزوار (محله تاریخی) بوده که این محله را در سطح متناسبی از حس و هویت مکانی قرار داده است.

جدول 6- سطح حس مکان تبیین‌شده در بافت تاریخی شهر تبریز

Tab.6- The level of sense of place explained in the historical texture of Tabriz

فاصله اطمینان 95%		سطح معناداری	درجه آزادی	T آماره (ارزش آزمون 3)	سطح
حد بالا	حد پایین				
0.503	0.772	0.000	383	9.47	حضور در مکان (احساس مادی و عینی)
0.684	0.951	0.000	383	4.33	آگاهی از استقرار (احساس مادی و ادراک)
0.793	1.057	0.000	383	5.62	تعلق به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)
0.613	0.846	0.000	383	1.27	دلبستگی به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)
0.964	1.217	0.000	383	0.89	یکی شدن با مکان (احساس فراعینی و ادراک ذهنی)
0.783	1.104	0.000	383	0.07	تعهد به مکان (احساس فراعینی و ادراک ذهنی)



شکل 5- تحقق پذیری سطوح حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز
Fig.5- Feasibility of levels of sense of place in the historical texture of Tabriz

عملکردی-اقتصادی در رفتارهای اجتماعی افراد دخیل بوده‌اند. بنابراین حس مکان در بافت در سطوح اولیه‌ی آن یعنی احساس مادی، عینی و ادراک رفتاری خلاصه شده است و دلبستگی و تعهد به مکان محدوده بوده است.

4- نتیجه‌گیری

از مهمترین ویژگی‌های حیات جمعی در فضاهای شهری، مکان‌مندی و تعلق داشتن به مکان است. احساس تعلق به مکان موجبات شکل‌گیری روابط پیچیده فرد با مکان و تحقق حس مکان می‌شود. در این بین، بافت‌های قدیمی و تاریخی با دارا بودن ارزش‌های و میراث‌های فرهنگی-تاریخی بیشترین حس مکان را به خود اختصاص می‌دهند. این بافت‌ها در یک شهر بر پایه ارتباط و پیوندی منطقی خلق شده‌اند و واجد ارزش‌های نادر زیبایی‌شناختی، تداوم خاطرات جمعی، هویت‌بخشی شهرها و جزئی از سرمایه‌های فرهنگی هستند. این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله‌مراتبی بوده ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آن‌گونه که باید و شاید نمی‌توانند جوابگوی نیاز ساکنین خود باشند. در این راستا، عدم مدیریت مناسب این بافت‌ها و جایگزینی ساکنان اصیل و بومی با مهاجران جدید،

- عدم ارتباط تبارشناسانه در ساکنان: به‌طور کلی ارتباط ساکنان بافت با مکان از طریق عقبه تاریخی در سال‌های اخیر محدود شده است. از عوامل تأثیرگذار بر این پدیده، فرسودگی بافت و رهاشدن فضا و انتخاب فضاهای جدید توسط ساکنان قدیمی و جایگزینی آنها با مهاجران بوده است. از این‌رو می‌توان گفت که قدمت سکونت یکی از ارکان اصلی تحقق حس مکان در بافت تاریخی بوده و با ورود مهاجران جدید و عدم خاطره‌انگیزی بافت برای آنها، حس مکان بافت در بین ساکنان کاهش یافته است.

- عدم ارتباط اقتصادی: میزان درآمد، بهره‌مندی از زمین و مالکیت آن به‌عنوان عاملی اقتصادی میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد و به تبع آن تعلق به مکان را افزایش می‌دهند. متأسفانه در بافت تاریخی تبریز در دهه‌های اخیر با توجه استقرار افراد کم‌درآمد میزان ارتباط اقتصادی و حس تعلق به مکان به شدت کاهش یافته است.

- عدم ارتباط کیهان‌شناختی، روایتی و زیارتی: این ارتباط از طریق درک اسطوره‌ها، مناسبات مذهبی، نمادها و همچنین تمایل افراد برای تعامل و مشارکت در مراسم مختلف پدید می‌آید (Altman and Low, 1992). بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه از ساکنان بافت تاریخی تبریز می‌توان گفت که ادراک ذهنی از بافت مورد مطالعه بسیار ناچیز بوده است و بیشتر شاخص‌های

تقدیر و تشکر

از تمامی افرادی که به نحوی در انجام این پژوهش یاری‌رسان بودند، سپاسگزاری می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- ¹ Counter
- ² Braun and Perkins
- ³ Relph
- ⁴ Shmuel Shamai
- ⁵ Reliability analysis
- ⁶ Alpha coefficient
- ⁷ Comparative Fit Index
- ⁸ Incremental Fit Index
- ⁹ Root-Mean-Square-Error of Approximation

منابع

- Altman, I., & Low, Setha M. (1992). Place attachment. (3th Ed). New York: Plenum Press.
- Bazi, K., Mirzapour, S., & Afrasyabirad, M. S. (2014). Spatial and locative Consequences of a place sense of belonging in to place in Khorramabad districts. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 2(2), 1-13.
- Carmona, M., & Tiesdell, S. (2007). *Urban Design Reader*. Architectural Press, Oxford.
- Carmona, M. (2006). *Public Places, Urban Spaces*. Architectural press, Elsevier, Oxford.
- Chaskin, R., Khare, A., & Joseph, M. (2012). Participation, deliberation, and decision making: The dynamics of inclusion and exclusion in mixed-income developments. *Urban Affairs Review*, 48(6), 863-906.
- Cohen, N. (2017). Moving Places: Relations, Return and Belonging. *Emotion, Space and Society*, 25, 1-2.
- Erfani, G. (2020). Sense of place as an investigative method for the evaluation of participatory urban redevelopment. *Cities*, 99, 1-12.
- Falahat, M. S. (2006). The concept of sense of place and its shaping factors. *Honarhay-E-Ziba*, 26, 57-66.
- Freestone, R., & Liu, E. (2016). *Place and Placelessness revisited*. New York: Routledge.

کیفیت سکونت، مکان‌مندی و حس مکان در این بافت‌ها را کاهش داده است. چنانکه، نتایج پژوهش حاضر با بررسی عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز حاکی از آن است که حس مکان در بافت تاریخی شهر در سطوح اولیه‌ی ادراکی و عینی محدود شده است و سطوح ذهنی همچون دل‌بستگی و تعهد به مکان کمتر در بین ساکنان بافت قابل مشاهده است. به‌طور کلی نیز می‌توان گفت که بیشترین تحقق‌پذیری در مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان در این بافت مربوط مؤلفه‌های فضای-عملکردی بوده است. همچنین در بین متغیرهای فرعی بیشترین تحقق‌پذیری در مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان مربوط به متغیرهای ترکیب فضاها و عملکردهای مختلف و پاسخ‌گویی این عملکردها به نیازهای زمانی و مکانی انسانی، بازتاب ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه در بافت و تا حدودی تأکید بر نمادها و نشانه‌ها در بافت تاریخی است.

با توجه به وضعیت نامناسب حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به‌کارگیری راهکارهای زیر تا حدودی موجبات بهبود وضعیت را در پی خواهد داشت:

- ایجاد سازوکاری در راستای جلوگیری از مهاجرت و حفظ ساکنان اصیل و بومی بافت تاریخی.

- تأکید در طراحی معماری بناهای بافت با ویژگی‌هایی همچون منظر، چشم‌انداز و ساختارمندی و همچنین مکانیابی مناسب فضاهای مختلف معنوی، اقتصادی، اجتماعی.

- خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق بین افراد و افزایش مشارکت‌پذیری آنها.

- پیوند و اتصال بافت‌های کالبدی با گذشته تاریخی - توسعه‌ی فضاهای مختلف بافت با استفاده از عناصر طبیعی، در نظر گرفتن مقیاس انسانی در طراحی‌ها، ارتقای قابلیت فضای بافت برای حضور همه‌ی اقشار و امکان انجام فعالیت‌های اجتماعی و تمایل به مشارکت در بین ساکنان.

- تعریف مفاهیم نمادین و نشانه‌ها در فرم ظاهری و کارکرد بافت و سازماندهی بناهای تاریخی در راستای سهولت در درک فرم و عملکردهای عرضه‌شده و همچنین سنت‌ها و ارزش‌ها.



Manzo, L. C., & Devine-Wright, P. (2013). *Place attachment: Advances in theory, methods and applications*. London: Routledge.

Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of Planning Literature*, 20(4), 335–350.

McCunn, L. J., & Gifford, R. (2018). Spatial navigation and place imageability in sense of place. *Cities*, 74, 208–218.

Mirgholami, M., & Ayasham, M. (2016). A conceptual model to evaluate the sense of place using four factors of perceptual, physical, social and functional (the Case study of Imam Street in Urmia, Iran). *Urban Studies*, 5(19), 69-80.

Mullendore, N. D., Ulrich-Schad, J. D., & Prokopy, L. S. (2015). US farmers' sense of place and its relation to conservation behavior. *Landscape and Urban Planning*, 140, 67–75.

Novin, A, R. (2017). *Analysis of Effects Revitalizationhistorical – cultural context of metropolises on city tourism development (Case Study: historical - cultural context of Tabriz metropolitan)*. Phd thesis in Geography and urban planning, Supervisor: Karim Hosseinzade Dalir, Islamic Azad University - Marand Branch.

Payton, M. A., Fulton, D. C., & Anderson, D. H. (2005). Influence of place attachment and trust on civic action: A study at Sherburne national wildlife refuge. *Society & Natural Resources*, 18(6), 511–528.

Qazimi, S. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, 1(1), 306-310.

Rabbani, R. (2018). *Urban Sociology*. Tehran: Samt Publications.

Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*, Pion, London.

Relph, E. (2009). *A Pragmatic Sense of Place*. *Environmental & Architectural Phenomenology*, Kansas State University, Architecture Department, 20 (6), 8-19.

Sarayi, M. H. Oshnoyi, A., & Rosta, M. (2016). Evaluation of spatial belonging indicators of the inhabitants of the old part of Kashan. *Geography and environmental planning*, 27(62), 17-34.

Ghiasi, H., & Sarrafi Ghohar, E. (2016). Intertextual relationship of sence of place with an emphasis on originality cities urban restoration and valuation tissue. *Urban Management*, 45, 147-170.

Giddens, A. (1991). Structuration theory: Past, present and future. In C. G. A. Bryant, & D. Jary (Eds.). *Giddens' theory of structuration: A critical appreciation*. London: Routledge.

Gorgul, E., Luo, L., Wei, S. D., & Pei, C. (2017). Sense of place or sense of belonging? Developing guidelines for human-centered outdoor spaces in China that citizens can be proud of. *Procedia Engineering* 198, 517– 524.

Hosseinabadi, S., Salmanimoghaddam, M., & Nori Dashtban, M. (2019). Spatial identity and its effective factors in old neighborhoods Study sample: Sabzevar Pergola neighborhood. *Spatial planning*, 9(34), 89-110.

Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore Owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 233–248.

Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: Attachment to, dependence on, and identification with lakeshore properties. *Journal of Environmental Management*, 79(3), 316–327.

King, R. (1995). Migrations, globalisation and place. In: Massey, D., Jess, P. (Eds.), *A Place in theWorld? Places, Cultures and Globalization*. Open University Press, Milton Keynes, pp. 5e44.

Lee, T. H., & Shen, Y. L. (2013). The Influence of Leisure Involvement and Place Attachment on Destination Loyalty: Evidence from Recreationists Walking Their Dogs in Urban Parks. *Journal of Environmental Psychology*, 33 (3), 76- 85.

Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207-230.

Madgin, R., Bradley, L., & Annette H. (2016). Connecting Physical and Social Dimensions of Place Attachment: What Can We Learn from Attachment to Urban Recreational Spaces? *Journal of Housing and the Built Environment*, 31 (4), 677-693.

Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*, 16, 671-685.

Taher Tolodel, M. S., Mahdinezhad, J., & Sadat, S. A. (2020). The Effect of Mental, Behavioral and Physical Factors of Sense of Place on Residential Satisfaction. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 8(1), 165-182.

Tuan, Y. F. (1975). Place: An experiential perspective. *Geographical Review*, 65(2), 151-165.

Tuan, Y. F. (1977). *Topophilia: A Study of Environmental Perception, Attitudes and Values*. New York: Columbia University Press.

Vertovec, S. (2009). *Transnationalism*. Routledge, London.

Sarmast, B. (2010). Investigating the role of "city scale" in the sense of belonging to the place (Case study: Tehran). *Urban Management*, 26, 133-146.

Schulz, C. (2008). *Existence, Space and Architecture*. London: Praeger Publishers.

Seamon, D., & Sowers, J. (2008). Place and Placelessness. (1976): Edward Relph. *Key Texts in Human Geography*, London: Sage, 43-51.

Shamai, S. (1991). Sense of Place: An Empirical Measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.

Sheikhi, M., Amini, S., & Nazemi, A. (2015). A comparative study of the sense of spatial belonging in formal and non-toxic settlements (Case study: Parand and Nasimshahr new city). *Social Sciences*, 69, 45-73.

